

Email:
rjcis@journals.sku.ac.ir

website:
<https://rjcis.sku.ac.ir>

Journal of Culture and Islamic Sciences



An analysis of the course and development of the Quranic theological works on the infallibility of the prophets

Reza Ghasemnezad^{1*}

¹ Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord Azad University, Shahrekord, Iran

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper	The infallibility of the prophets, as one of the fundamental and influential themes in the Islamic theological tradition, has consistently been a focus of scholarly attention and a point of divergence among different Islamic schools of thought. The intrinsic complexity and broad conceptual scope of this subject have led theologians and Qur’anic exegetes to produce numerous works encompassing a wide range of theoretical approaches. Nevertheless, despite the abundance of such works, a fundamental question remains: When did the process of compiling Qur’anic texts related to the infallibility of the prophets begin, and what stages and developments has this formative process undergone? Adopting a descriptive-analytical method and systematic analysis of library-based sources, this study seeks to examine the evolution and development of works related to the infallibility of the prophets from their inception to the present. The findings indicate that the development of Qur’anic works in this field has passed through four distinct periods: the “Emergence Period,” the “Period of Scattered and Unsystematic Works,” the “Period of Independent and Purpose-Oriented Works,” and, ultimately, the “Period of Expansion and Elaboration.” Each of these periods possesses its own distinctive epistemological and structural characteristics and reflects the transition from initial approaches toward more comprehensive and systematic analyses throughout the history of Islamic theology.
KEYWORDS: Progress and development, Quranic works, infallibility, prophets.	
Received: 2026/04/28 Accepted: 2026/06/14	
*Corresponding author: r.ghaseminejad@iaua.ac.ir	
How to cite this paper: Hoseini, A., Hahmani, F. (2026). A Comparative Reading of Kant’s Moral Philosophy and the Quran: Convergences and Divergences. <i>Journal of culture and Islamic sciences</i> . 11(6): 87-102.	
DOI: 10.22034/rjcis.2026.15001.1144	



تحلیلی بر سیر و تطور آثار قرآنی کلامی عصمت پیامبران

رضا قاسم نژاد^{۱*}

۱. دکترای معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، آزاد شهرکرد، شهرکرد، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	عصمت پیامبران، به‌عنوان یکی از محورهای بنیادین و اثرگذار در منظومه کلام اسلامی، همواره کانون توجه متفکران و نقطه تقابل دیدگاه‌های مختلف میان مذاهب اسلامی بوده است. پیچیدگی ماهوی و گستره مفهومی این مبحث، منجر به تولید آثار متعددی از سوی متکلمان و مفسران گشته که طیف وسیعی از رویکردهای نظری را در بر می‌گیرد. باین حال، به‌رغم تعدد این آثار، این پرسش اساسی مطرح است که فرآیند تدوین متون قرآنی مرتبط با عصمت پیامبران از چه زمانی آغاز شده و این سیر تکوینی، چه مراحل و تحولاتی را پشت سر گذاشته است؟ پژوهش با اتخاذ روش توصیفی تحلیلی و تحلیل نظام‌مند منابع کتابخانه‌ای، درصدد است تا سیر تطور و تدوین آثار مرتبط با عصمت پیامبران را از آغاز تا کنون واکاوی نماید. یافته‌های تحقیق نشان دهنده آن است که تکوین آثار قرآنی در این حوزه، چهار دوره متمایز را پشت سر گذاشته است: «دوره پیدایش»، «دوره آثار پراکنده و غیره‌دفعند»، «دوره تدوین آثار مستقل و ه‌دفعند» و در نهایت، «دوره بسط و گسترش». هر یک از این ادوار، دارای ویژگی‌های معرفت‌شناختی و ساختاری خاص خود بوده و بازتاب‌دهنده گذار از رویکردهای اولیه به سوی تحلیل‌های جامع‌تر و نظام‌مندتر در تاریخ کلام اسلامی است.
واژگان کلیدی: سیر و تطور، آثار قرآنی، عصمت، پیامبران.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴	
* پست الکترونیکی نویسنده مستول: r.ghaseminejad@iaau.ac.ir	
ارجاع: قاسم نژاد، ر.، ۱۴۰۵، تحلیلی بر سیر و تطور آثار قرآنی کلامی عصمت پیامبران، پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی، ۱۱(۶)، ۸۷-۱۰۲.	

۱. مقدمه

عصمت پیامبران به عنوان یکی از ارکان بنیادین و تفکیک‌ناپذیر از اصل نبوت در منظومه کلام اسلامی، همواره محور توجه متفکران و کانون مناقشات نظری میان مذاهب مختلف بوده است؛ پیچیدگی ماهوی و گستره مفهومی این مبحث، منجر به تولید میراث گسترده‌ای از آثار تفسیری و کلامی گشته که از متون کلاسیک تا پژوهش‌های آکادمیک معاصر را در بر می‌گیرد. با این حال، برای دستیابی به درکی جامع از این مفهوم، ضروری است که به جای نگاهی ایستا، به بررسی ضابطه‌مند تکوین این آثار و سیر تحول آن‌ها در بستر تاریخ پرداخت؛ چرا که تکیه بر آثار پراکنده، بدون تحلیل سیر تطور آن‌ها، می‌تواند منجر به سوء برداشت‌های مفهومی و تفاسیر تقلیل‌گرایانه گردد. بر همین اساس، ضرورت دارد تا این پرسش بنیادین واکاوی شود که فرآیند تدوین آثار قرآنی کلامی مرتبط با عصمت از چه زمانی آغاز شده و این سیر تکوینی، چه مراحل و تحولاتی را پشت سر گذاشته است؟ پاسخ به این پرسش نه تنها امکان تحلیل پیوندهای میان عصمت و مفاهیمی چون وحی و عدالت الهی را فراهم می‌آورد، بلکه ابزاری کارآمد برای مواجهه با شبهات نوپدید فراهم می‌کند. در همین راستا، یافته‌های پژوهش مبین آن است که سیر تطور آثار در این حوزه، چهار مرحله متمایز را پشت سر گذاشته است: «دوره پیدایش»، «دوره آثار پراکنده و غیره‌د‌ف‌م‌ن‌د»، «دوره تدوین آثار مستقل و ه‌د‌ف‌م‌ن‌د» و در نهایت «دوره بسط و گسترش» که هر یک از این ادوار، واجد ویژگی‌های معرفت‌شناختی و ساختاری خاص خود بوده و بازتاب‌دهنده گذار از رویکردهای اولیه به سوی تحلیل‌های جامع‌تر و نظام‌مندتر در تاریخ کلام اسلامی است.

۲. پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهش، مشاهده می‌شود که اگرچه در برخی آثار، به مبحث عصمت انبیاء پرداخته شده، اما این پرداختن عمدتاً به صورت کلی و غیرروشمند بوده است. برای نمونه، فرقانی و جهرمی (۱۴۰۰) در مقاله «خوانش انتقادی انگاره عالمان غیرشیعی از عصمت انبیاء...» و خوش‌رنگ و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «روش‌شناسی تفسیر آیات عصمت انبیاء» اشاره به آثار کلامی تنها در حد مرور پیشینه است و تحلیلی جامع در مورد سیر تکوین این آثار صورت نگرفته است. همچنین در متون تفسیری و کلامی همچون شریفی و یوسفیان (۱۳۸۹) در «صحیفه عصمت» و مؤذن زاده (۱۴۰۲) در «عصمت پیامبر اکرم (ص) در قرآن» اگرچه به تاریخچه عصمت در ادیان پیشین و تطور این مفهوم در صدر اسلام و اندیشه‌های شیعه و اهل سنت پرداخته شده، اما تمرکز بر «سیر و تطور آثار قرآنی» به عنوان یک موجودیت مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر واکاوی نظام‌مند آثار قرآنی در موضوع عصمت، از نوآوری موضوعی و نظم منطقی برخوردار است و در صدد آن است تا با مطالعاتی جامع، تصویری کامل و پیشرو از سیر تحولی این آثار از آغاز تا کنون ارائه دهد.

۳. مفهوم شناسی عصمت

اهل لغت، واژه «عصمت» را در معانی منع و بازداري (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۹۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۱۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۰۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۲۰: ۳۳۱؛ فیروزآبادی، ۱۳۸۰: ۱۵۱) و نیز در معنای امساک و خودداری (راغب، ۱۴۰۴: ۳۳۶؛ فیومی، ۱۳۹۷: ۴۱۴؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۱۸۶) به کار برده‌اند. در قرآن کریم نیز واژه «عصمت» و مشتقات آن در معنای بازدارندگی از گناه یا عذاب پروردگار و حفظ از خطر به کار رفته است؛ معنایی که با همان مفهوم لغوی عصمت مطابقت دارد (طیب حسینی، جعفری، داداش‌نژاد: ۱۳۹۷). بررسی مفهوم عصمت در اصطلاح نشان می‌دهد که با توجه به مبانی متفاوت دانشمندان اسلامی، تعاریف گوناگونی برای آن ارائه شده است و هر اندیشمند براساس دیدگاه خاص خود، تعریف ویژه‌ای مطرح کرده است.

مشهورترین دیدگاه‌ها از سوی سه مکتب معروف کلامی یعنی اشاعره، معتزله و امامیه ارائه شده که در نهایت به دو مبنای اصلی باز می‌گردند: جبرگرایی از سوی اشاعره و اختیارگرایی از سوی معتزله و امامیه (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۳). براساس مبنای جبرگرایی اشاعره، عصمت چنین معنا می‌شود: «وَهِيَ عِنْدَنَا أَنْ لَا يَخْلُقَ اللَّهُ فِيهَا ذَنْبًا»؛ یعنی عصمت از دیدگاه آنان آن است که خداوند گناه را در وجود معصومین نمی‌آفریند (ایجی، ۱۳۲۵: ۱۸۱-۲۸۱) و براساس مبنا اختیارگرایی، قاضی عبدالجبار معتزلی می‌گوید: «العصمة... و قد صار بالعرف عبارة عن لطف يقع معه الملطوف فيه لا محالة حتى يكون المرء معه كالمدفع الى أن لا يرتكب الكبائر، و لهذا لا يطلق إلا على الأنبياء أو من يجري مجراهم». به بیان دیگر، عصمت در عرف لطفی است که با تحقق آن، شخص حتماً از ارتکاب گناه، چه کبیره و چه صغیره، بازداشته می‌شود و به همین دلیل تنها درباره انبیا یا کسانی که در مسیر آنان هستند به کار می‌رود (قاضی عبدالجبار، ۱۳۸۴: ۷۸۰). مطابق دیدگاه امامیه سیدمرتضی، فقیه و متکلم شیعه، می‌گوید: «اعلم أن العصمة هي اللطف الذي يفعلته تعالى، فيختار العبد عنده الامتناع من فعل القبيح»؛ بدان که عصمت لطفی است که خداوند در مورد بنده خود انجام می‌دهد و به واسطه آن انسان از ارتکاب فعل قبیح امتناع می‌ورزد. علامه طباطبایی در تعریف عصمت می‌نویسد: «و نغني بالعصمة وجود أمر في الإنسان المعصوم يصونه عن الوقوع فيما لا يجوز من الخطأ أو المعصية»؛ مقصود ما از عصمت، وجود نیرویی در انسان معصوم است که او را از افتادن در آنچه روا نیست، چه خطا و چه گناه، حفظ می‌کند. او در جای دیگر نیز بیان می‌کند: «هي صورة علمية نفسانية تحفظ الإنسان من باطل الاعتقاد و سيئ العمل»؛ عصمت، صورتی علمی و نفسانی است که انسان را از باور نادرست و عمل ناپسند نگاه می‌دارد (علم الهدی، ۱۳۸۱: ۸۸).

با بررسی دقیق تعاریف ارائه‌شده، روشن می‌شود که همه دانشمندان، عصمت را نوعی پاکی و مصونیت از آلودگی به گناه دانسته‌اند؛ هرچند در ماهیت و گستره آن اختلاف نظر وجود دارد. این اختلافات عمدتاً از تفاوت در منشأ و مبانی فکری سرچشمه می‌گیرد و نشان‌دهنده تنوع رویکردهای کلامی در تبیین این اصل بنیادین است.

۴. تحلیل سیر و تطور آثار قرآنی عصمت انبیاء

سیر و تطور آثار قرآنی مربوط به عصمت انبیا شامل بررسی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف مفسران و متکلمان اسلامی در طول تاریخ است. این سیر و تطور براساس تحقیقات صورت گرفته در این زمینه و آثار تدوین شده به چند مرحله اصلی تقسیم می‌شود.

۱.۴. دوره اولیه اسلام (دوره پیدایش)

دوره نخستین اسلام، که می‌توان آن را «دوره پیدایش» نامید، از آن جهت که مباحث مربوط به عصمت انبیاء عمدتاً در قالب شفاهی، روایات، احادیث و اشعار مطرح می‌شد، ویژگی‌های متمایزی دارد. این داده‌های شفاهی و ادبی، در ادوار بعدی در کتب حدیثی و تفسیری جمع‌آوری و تثبیت گردیدند. برجسته‌ترین ویژگی این دوره، فقدان چالش‌های بنیادی و کشمکش‌های اعتقادی کلامی در مورد مسئله عصمت است؛ به گونه‌ای که باور به عصمت پیامبر اکرم (ص) در فرهنگ و اعتقادات رایج صحابه و توده‌ی مردم، امری بدیهی و پذیرفته‌شده تلقی می‌شد. در این برهه، هیچ اثر مستقلی که به‌طور تخصصی به بررسی موضوع عصمت بپردازد، تدوین نشده بود و اشارات به این مسئله، در قالب روایاتی از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و همچنین در اشعار شاعران عصر نزول، بسیار محدود و جزئی بود.

در بررسی دقیق‌تر آثار این دوره، ابتدا می‌توان به «فرهنگ محاوره‌ای و ادبیات شعری» اشاره کرد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که جامعه عرب حتی پیش از اسلام با مفهوم «عصمت» بیگانه نبود و در محاورات خود از آن بهره می‌برد؛ چنان که در شعری منسوب به ابوطالب (ع) در وصف پیامبر اکرم (ص)، عبارت «عصمه للارامل» (نگهبان بیوه زنان) به کار رفته است که گویای آشنایی با این مفهوم است (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۵۳). این پذیرش مفهومی حتی در نام‌گذاری فرزندان نیز مشهود است، به گونه‌ای که افرادی چون عصمه بن زبیر و عصمه بن حصین از اصحاب پیامبر (ص) بوده‌اند (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۰۶۸-۱۰۶۹).

در کنار ادبیات شعری، روایات اهل سنت نیز ابعاد مهمی از این نگرش را بازتاب می‌دهد. در روایاتی درباره جانشینان پیامبر (ص)، ایشان حضرت علی (ع) را «هادیاً و مهدیاً» (راهنما و هدایت‌شده) توصیف نموده‌اند (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۷۹۹) ویژگی‌هایی که به‌وضوح تنها بر انسان‌های معصوم صدق می‌کند (فاریاب، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۷۸). همچنین در کتب مشهوری نظیر صحیح بخاری، نسائی و بیهقی، در باب «المعصوم من عصم الله»، صراحتاً بیان شده است که «معصوم کسی است که خداوند او را از گناه و شرور حفظ کند» (نسائی، ۱۳۴۸، ج ۲: ۱۵۸؛ بخاری، ۱۴۲۲، ج ۵: ۱۵۶). این رویکرد در روایت عبدالله بن عمرو عاص نیز تکرار شده است؛ وی نقل می‌کند که در پاسخ به نهی قریش مبنی بر اینکه پیامبر (ص) در حالات خشم یا رضا ممکن است سخنانی بشری بیان کند، حضرت با اشاره به لب‌های مبارک خود فرمودند: «قسم به خدایی که جانم در قبضه قدرت اوست، از این دو لب من جز حق خارج نمی‌شود». ایشان با استدلالی

بدیهی، تضاد موجود در دیدگاه مخالفان را آشکار نموده و فرمودند: «اگر باور دارید که من جز حق نمی‌گویم، چگونه ممکن است ادعای من در مورد آوردن دینی از جانب خداوند را تصدیق کنید، اما ادعایم درباره خرید اسبی از یک اعرابی را تصدیق نکنید؟» این استدلال، پیوستگی میان عصمت در مقام تشریع (بیان دین) و عصمت در مقام افعال و اقوال روزمره را به اثبات می‌رساند.

علاوه بر این، در روایت ابوهریره نیز تأکید شده است که پیامبر(ص) حتی در هنگام شوخی و مزاح نیز بر صدق و حقانیت سخنان خود تأکید می‌نمایند؛ روایتی که ترمذی و هیشمی آن را «حسن» ارزیابی کرده‌اند (ترمذی، ۱۹۹۸، ج ۳: ۴۲۵؛ هیشمی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۲۵). همچنین محور «عصمت قلبی و بیداری مستمر» در روایات صحیح بخاری، مسلم و کتاب «احکام القرآن» جصاص برجسته است؛ به گونه‌ای که در حالی که چشم پیامبر(ص) به خواب می‌رود، قلب ایشان همواره بیدار است (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۴: ۲۱۵؛ جصاص، ۱۴۱۵، ج ۱۲: ۴۱۸). مناوی در تعلیقه‌ای بر این روایات تبیین می‌کند که این بیداری، به دلیل اشراق انوار الهی است که مانع از هر گونه غفله در قلب نبوی می‌گردد و همین امر، رؤیای ایشان را در حکم «وحی» قرار می‌دهد (مناوی، ۱۳۵۶: ۵۵۱/۳). در کنار این‌ها، روایت عایشه در منابع حدیثی تاریخی، بر عصمت عملی پیامبر(ص) دلالت دارد؛ چرا که ایشان همواره آسان‌ترین مسیرهای نیک را برمی‌گزیدند و از هر گونه گناه به دور بودند (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۴: ۱۸۹).

از سوی دیگر، در روایات شیعیان، مفهوم عصمت با دایره‌ای گسترده‌تر و برگزیدگان الهی گره خورده است. این باور در کلام سلمان فارسی متجلی است که با تأکید بر هدایت‌گری علی بن ابی‌طالب(ع)، عصمت ایشان را مورد تصدیق می‌دهد (قاضی نعمان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۲۴) همچنین در روایاتی از ابن عباس و شیخ صدوق، عصمت به‌عنوان ویژگی مشترک پیامبر(ص)، علی(ع)، امامان از نسل ایشان و نه نفر از فرزندان امام حسین(ع) معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۵: ۲۰۱؛ أمالی الصدوق، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۸۳). در این راستا، مجلسی در روایاتی نقل می‌کند که پیامبر(ص) امامان را «برگزیدگان و صفوة خداوند و معصوم از هر گناه و خطایی» نامیده‌اند (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۵: ۱۹۳). همچنین امام صادق(ع) عدم وجود گناه در انبیاء و اوصیای آنان را برآمده از مقام «معصوم و مطهر» بودن می‌دانند (مجلسی، ۱۴۲۱: ۱۹۹) امام باقر(ع) عصمت را پیامد انتخاب و حسن‌نیت الهی می‌شمارند (مجلسی، همان). بنیان این باور در سیره صحابه نیز مشهود است؛ نمونه بارز آن روایت «خزیمه بن ثابت» است که با وجود عدم حضور در لحظه یک معامله، گواهی مطلق به نفع پیامبر(ص) داد و استدلال نمود که پذیرش حقانیت ایشان در خبرهای غیبی، به‌طور بدیهی پذیرش صداقت و مصونیت ایشان در مسائل دنیوی را نیز ایجاب می‌کند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۶۴). در تبیین تکوینی این موضوع، روایات کلینی در «اصول کافی» به مفهوم «روح القدس» به‌عنوان عامل یا مرتبه‌ای از عصمت اشاره دارند که استواری گفتار و کردار پیامبران و امامان را تضمین می‌نماید و هرگز دچار لغزش نمی‌شود (کلینی، بی‌تا: ج ۴: ۲۷۲-۲۷۳).

در نهایت، بررسی تقابلات احتمالی در این دوره نشان می‌دهد که حتی در مواجهه با شبهات، تکیه بر اصل عصمت استوار بوده است؛ چنان که امام رضا(ع) در پاسخ به مامون، صراحتاً بر اعتقاد به «عصمت تمامی پیامبران» تأکید نموده و با تحلیل دقیق، شبهات مربوط به حضرت آدم، یونس، موسی و محمد(ص) را مرتفع ساخته‌اند (صدوق، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۵۵). همچنین در «خطبه قاصعه» در نهج البلاغه، امام علی(ع) به‌طور ضمنی به «عصمت پیش از بعثت» پیامبر اکرم(ص) اشاره کرده و بیان می‌دارند که فرشتگان الهی از زمان تولد حضرت، مأمور تربیت و هدایت ایشان به سوی فضایل اخلاق جهانیان بوده‌اند (شهیدی، ۱۳۹۱: ۲۲۲).

بنابر آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که در دوران پیدایش، از یک سو روایات متعدد پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) در صدد آشناسازی جامعه با مفهوم عصمت بودند و از سوی دیگر، فرهنگ عامه و خواص جامعه اسلامی براساس باور به صداقت مطلق نبوی، عصمت را امری بدیهی می‌پنداشتند. این وضعیت تبیین می‌کند که چرا در این برهه، برخلاف ادوار بعدی، احساس نیاز به تدوین آثار مستقل یا تبیین استدلالی پیچیده وجود نداشت و مبحث عصمت، در قالب روایات و باورهای قلبی جاری بود.

۲.۴. دوره آغاز تدوین به صورت پراکنده و نامنظم و غیرهدفمند

در این دوره، که دوره تدوین تفاسیر هم هست، مفسران زیادی به تفسیر آیات قرآن پرداختند؛ طبری در آرای کلامی تفسیری خود به موضوع عصمت و ابعاد آن پرداخته و با استناد به آیاتی نظیر (ص: ۴۶، مریم: ۵۱، نجم: ۳-۴، یوسف: ۲۴) معتقد است که پیامبران الهی از گناهان کبیره و خطاهای عمدی معصوم هستند؛ اما ممکن است دچار خطاهای کوچک و غیرعمدی شوند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳: ۱۰۹). در تفسیر طبرسی، عصمت انبیاء به‌عنوان یکی از اصول مهم اعتقادی بررسی شده است. طبرسی معتقد است که پیامبران الهی در ابعاد مختلف دریافت و ابلاغ وحی، اعمال و رفتار، تفکر و نیت از هرگونه گناه و خطا معصوم هستند و این عصمت شامل دوران قبل و بعد از نبوت آنها می‌شود و دلایل عقلی و نقلی متعددی از جمله لطف الهی، نیاز به الگوهای کامل، حفظ اعتبار و اعتماد به پیام الهی و آیات فراوانی (بقره: ۱۲۴) برای اثبات آن ارائه کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۰۵). تفسیر قمی معتقد است که پیامبران در همه جنبه‌های زندگی خود، چه قبل از نبوت و چه بعد از آن، معصوم هستند. این عصمت شامل عصمت در دریافت وحی، عصمت در ابلاغ وحی و عصمت در اعمال و رفتار می‌داند و به آیاتی از جمله (یوسف: ۲۴) از قرآن اشاره می‌کند که بر عصمت پیامبران دلالت دارند (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۸۲).

در تفسیر عیاشی، پیامبران نه تنها از گناهان کبیره و صغیره معصوم هستند، بلکه از اشتباهات و خطاهای انسانی نیز مصون می‌باشند. عیاشی عصمت انبیاء را شامل عصمت در دریافت وحی، عصمت در اعمال و رفتار و عصمت در نیت و قصد

می‌داند و دلایل عقلی و نقلی شامل آیات (ص: ۱۲۵، مریم: ۵۱، احزاب: ۳۳، یوسف: ۲۴ و...) و روایات بر این مطلب می‌آورد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۵۴).

شیخ طوسی در تبیان با استناد به دلایل عقلی و نقلی، از جمله نساء: ۵۹، معتقد است پیامبران در دریافت، حفظ و ابلاغ وحی الهی کاملاً معصوم هستند. هیچ‌گونه خطا یا اشتباهی در این فرآیند از آن‌ها سر نمی‌زند و از گناه به صورت عمدی دارای عصمت هستند. ولی عصمت از خطا و اشتباه در امور عادی را لازم نمی‌داند. به نظر ایشان عصمت از خطا و اشتباه در امور عادی ضرورتی ندارد و خطا و سهو در این امور، اگر بر کمال عقل خللی وارد نکند، جایز است (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۱۶۵).

ابوالفتوح رازی پیامبران را معصوم می‌داند و انجام گناهان کبیره و صغیره و اعتقادات ناروا را با عصمت ایشان ناسازگار می‌بیند. او برای اثبات این باور از مجموعه‌ای از دلایل عقلی، آیات قرآن (یوسف: ۲۳، ۳۰، ۳۲) و روایات بهره می‌برد (رازی، ۱۳۵۲، ج ۳: ۸۷). فخر رازی با استناد به دلایل عقلی با مویداتی از آیات معتقد به عصمت پیامبران در دریافت، ابلاغ وحی است، ولی افعال خطا به صورت سهوی بر پیامبران جایز را می‌پذیرد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۲۴۱). این تفاسیر به عنوان نقطه آغاز تدوین عصمت پیامبران در منابع اسلامی و منابع اصلی برای فهم آیات مربوط به عصمت انبیاء در این دوره قابل طرح و ارائه‌اند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره می‌توان به پرداختن به عصمت پیامبران بصورت پراکنده در ذیل برخی از آیات به صورت محدود و جزئی، نقل داستان‌های شبهه‌زا نسبت به عصمت پیامبران در قالب شأن نزول‌هایی که مخالف اساس نبوت است یا منافی مقام عصمت یا اصولاً با منطق و عقل و خرد منافات دارد و منبعی برای ورود شبهه به عصمت پیامبران است، نقل شبهات در مورد انبیاء بدون نقد و پاسخ به آن‌ها توسط برخی از مفسران، پرداختن به به ابعاد عصمت انبیاء در ذیل برخی از آیات مرتبط با موضوع، عدم بهره‌گیری از ابزار دیگر مثل اقوال گذشتگان، دلایل عقلی، قول لغوین و... اشاره کرد.

لذا دوره آغاز تدوین مباحث عصمت در منابع اسلامی، با ظهور تفاسیر جامع و بنیادین، نقطه عطفی در تبیین جایگاه پیامبران بود. در این دوران، مفسران برجسته‌ای چون طبری، طبرسی، قمی، عیاشی، شیخ طوسی و فخر رازی، ابعاد مختلف عصمت را در ذیل آیات مرتبط واکاوی کردند. با بررسی دیدگاه‌های این مفسران، می‌توان روند تکامل این مبحث را در سه محور اصلی تحلیل نمود: نخست، در بررسی گستره عصمت، شاهد یک طیف دیدگاهی هستیم؛ از یک سو، مفسرانی چون قمی، عیاشی و طبرسی رویکردی جامع به عصمت دارند. آن‌ها معتقدند پیامبران در تمامی ابعاد زندگی (اعمال، رفتار، تفکر و نیت) و در هر دو بازه زمانی (پیش و پس از نبوت)، از هرگونه گناه و خطای عمدی یا سهوی مصون هستند. در مقابل، مفسرانی چون طبری و فخر رازی، درحالی که عصمت در ابلاغ وحی و دوری از گناهان کبیره را پذیرفته‌اند، امکان وقوع خطاهای کوچک یا سهو در امور عادی را جایز می‌دانند. شیخ طوسی نیز در

این میان، موضعی میانه را اتخاذ کرده و ضمن تأکید بر عصمت مطلق در امور شرعی و رسالتی، عصمت در امور عادی را ضرورتی نمی‌بیند و آن را تا جایی که خللی در کمال عقل ایجاد نکند، جایز می‌شمارد.

دوم، از نظر رویکرد روش‌شناختی، این دوره شاهد گذار از «نقلی‌روایتی» به «استدلالی‌کلامی» است. در تفاسیر اولیه نظیر قمی و عیاشی، استدلال‌ها عمدتاً بر پایه نقل آیات و روایات استوار بود. اما با ظهور آثاری چون التبیان شیخ طوسی و مفاتیح الغیب فخر رازی، ابزارهای عقلانی و کلامی وارد میدان شدند. این مفسران دیگر تنها به نقل اکتفا نکردند، بلکه با بهره‌گیری از براهینی چون حکمت ارسال رسل، لزوم اقتدای واجب و قبح عقلی گناه، عصمت را به‌عنوان یک ضرورت منطقی برای تحقق اهداف الهی تبیین کردند. باین حال، این دوره با برخی چالش‌های ساختاری نیز همراه بود؛ یکی از ویژگی‌های بارز این دوره، پراکندگی موضوعی است؛ به این معنا که مبحث عصمت به صورت یک باب مستقل مطرح نشد و تنها در ذیل آیات مرتبط، به گونه‌ای جزئی بررسی می‌شد. همچنین، در برخی آثار، نقل داستان‌های شبهه‌زایی در قالب شأن نزول دیده می‌شود که با منطق نبوت و مقام عصمت در تعارض است. این رویکرد در برخی موارد، بدون نقد و پاسخ، فضای مناسبی برای ورود شبهات به مسئله عصمت فراهم می‌کرد.

در مجموع، می‌توان این دوره را دوران گذار نامید؛ دورانی که در آن مبحث عصمت از پذیرشی ساده و نقلی، به سوی یک تبیین نظام‌مند و استدلالی حرکت کرد. این تفاسیر، زیربنای لازم را برای متکلمان بعدی فراهم آوردند تا عصمت انبیاء را نه تنها یک باور ایمانی، بلکه یک حقیقت قابل اثبات از طریق تلاقی عقل، لغت و وحی معرفی کنند.

۳.۴. دوره تدوین کتاب‌های مستقل و هدفمند

در این دوره، مفسران و متکلمان شیعه و سنی به بررسی و تحلیل دقیق‌تر مباحث عصمت انبیا در قالب کتب مستقل و نظام‌مند پرداختند. کتاب‌های معروفی مانند: تنزیه الانبیاء سیدمرتضی عصمه الانبیاء فخر رازی، تنزیه الانبیاء عن تسفیه الأغیاء جلال‌الدین سیوطی، التنبيه بالعلوم من البرهان علی تنزیه المعصوم عن السهو والنسیان محمد بن حسن حرّعاملی، تنزیه الانبیاء و تأویل ما یظهر منه خلافه و الرد علی من یزعم تخلفاً عنهم محمد باقر استرآبادی به طور مفصل به این موضوع پرداخته‌اند.

از مهم‌ترین این آثار کتاب تنزیه الانبیاء سیدمرتضی (۱۴۱۷ق) از بزرگ‌ترین دانشمندان و متکلمان شیعه و از قدیمی‌ترین کتاب‌های موجود در موضوع عصمت پیامبران است که علت نگارش؛ پاسخگویی به شبهات با استدلال‌های محکم عقلی و بیان منطقی و مقابله با علمای درباری که در صدد تضعیف مقام پیامبران و ائمه علیهم‌السلام و اعتراض یا ایرادی به عصمت آنان و نیز توجیه اعمال حاکمان ستمگر و سرپوش گذاشتن بر گناهان و اشتباهات دولتمردان بودند (خندق آبادی، ۱۳۸۳: ۲۷۶). در این کتاب، طرح آیات و احادیثی که در ظاهر بر گناه و خطای پیامبران و امامان دلالت دارد و دادن پاسخ مناسب با جمع‌بندی و تعبیرهای مناسب است. کتاب متشکل از سه قسمت، که شامل یک مقدمه و دو بخش است. مقدمه دربردارنده دو مبحث مهم است یکی بیان نظرات مذاهب مختلف درباره انبیاء و

عصمت آنان و دیگری بیان دیدگاه صحیح در این موضوع. بخش نخست کتاب تنزیه الانبیاء مربوط به سیزده نفر از پیامبران و آیات متشابه مربوط به عدم عصمت انبیاء و با استدلال به حکم عقل و استناد به قواعد ادبی، علم لغت و پرهیز از استدلال به روایات ائمه علیهم السلام و اشاره به روایات جعلی و اثبات آن‌ها با حکم عقل صورت گرفته و به شیوه روشمند (طرح شبهه و جواب آن، استفاده از روش‌های مختلف مثل لغت‌شناسی، انتخاب وجه سازگار با عصمت انبیاء، توجه به شأن نزول و نشانه‌های تاریخی، تعیین مصداق واقعی و حقیقی آیه و استناد به روایات تفسیری مقبول و...) در طرح بحث راجع به پیامبران و استفاده از ابزاری همچون ادله عقلی، اشعار، لغت، روش تفسیر قرآن به قرآن، عدم استفاده از روایات به طور معمول و ترجیح حکم عقل و تکیه بر نقل‌های تاریخی به مسئله عصمت پیامبران پرداخته است (علم الهدی، ۱۳۸۱ق: ۱۱۳).

کتاب دیگر «عصمة الأنبياء» نوشته فخرالدین رازی، یکی از آثار مهم در زمینه کلام اسلامی اهل سنت است. این کتاب به بررسی مفهوم عصمت پیامبران و دلایل و براهین مرتبط با آن می‌پردازد. فخر رازی در این اثر به تبیین و تحلیل دیدگاه‌های مختلف درباره عصمت انبیاء پرداخته و تلاش کرده است تا با استفاده از دلایل عقلی و نقلی، این موضوع را به طور جامع بررسی کند. کتاب تنزیه الانبیاء دارای چهار بخش است: بخش اول معرفی کتاب، بخش دوم مقدمه کتاب، بخش سوم اقوال مذاهب مختلف مسلمین در عصمت انبیاء و دلایل عصمت انبیاء و بخش چهارم بررسی شبهات تک تک پیامبران و پاسخ آن‌ها. فخر رازی در بخش سوم به اختلاف مسلمین در باب عصمت اشاره می‌کند و می‌گوید: راجع به عصمت انبیاء در چهار جهت اختلاف وجود دارد: ۱. عصمت در ایمان، ۲. عصمت در احکام و شرایع، ۳. عصمت در فتوا دادن و ۴. عصمت در افعال واحوال. رازی معتقد است در سه صورت اول همه امت اسلامی نسبت به عصمت پیامبران اتفاق نظر دارند ولی در صورت چهارم دارای اختلاف هستند و اقوال مختلف را آورده است؛ از جمله حشویه معتقدند گناه کبیره و صغیره برای پیامبران جایز است. معتزله می‌گویند گناهان کبیره برای پیامبران جایز نیست ولی صغیره جایز است. جبایی معتقد است گناهان صغیره و کبیره عمدی برای پیامبران جایز نیست؛ ولی سهوی جایز است. ابن‌نظام می‌گوید: گناهان صغیره و کبیره عمدی، خطایی و تأویلی برای پیامبران جایز نیست ولی سهوی جایز است و شیعه معتقد است گناهان صغیره و کبیره عمدی، خطایی، سهوی، تأویلی برای پیامبران جایز نیست (رازی، ۱۴۰۹: ۲۶-۲۷).

همچنین در ادامه می‌گوید نسبت به زمان عصمت هم اختلاف وجود دارد؛ برخی قبل زمان عصمت را از ولادت تا آخر عمر می‌دانند ولی اکثر معتقد به عصمت در زمان نبوت هستند و فخر رازی می‌گوید: است «عصمت فی زمان النبوة عن الكبائر والصغائر بالعمد. أما علی سبیل السهو فهو جائز». در پایان این بخش به دلایل عصمت پیامبران می‌پردازد که مشتمل بر پانزده دلیل‌اند. در بخش آخر شبهات و پاسخ‌های مربوط به شانزده نفر از پیامبران آورده شده است. روش صاحب کتاب در پاسخ با شبهات به دو شیوه عقلی و نقلی است؛ یعنی با استدلال‌ات عقلی و با بهره‌گیری

از آیات دیگر و نیز نظرات صاحب نظران کلامی و تفسیری به صورت منطقی به پاسخ شبهات می‌پردازد. شیوه او در پاسخ به آیات متشابه ابتدا به ذکر آیه پرداخته؛ در ادامه با عنوان «الجواب» شبهات موجود در آیه را مطرح کرده است. گاهی ممکن است در یک آیه فقط یک شبهه باشد و گاهی چند شبهه بعد از آن؛ برای هر شبهه وجوه مختلفی آورد و از آیات و دیدگاه‌های دیگر استفاده می‌کند. سپس وجوه نادرست را رد و وجهی را که به نظرشان صحیح است، تأیید می‌کند. گاهی هم از علم لغت، قول ادباء و اشعار و نیز صحابه مثل ابن عباس در فهم واژه‌ها و مفهوم آیه بهره می‌برد. فخر رازی در این کتاب بر بطلان افسانه غرائق تأکید کرده و این داستان را جعلی می‌داند (رازی، ۱۴۰۹: ۲۸-۳۳). از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره می‌توان به تدوین آثار مستقل و اختصاصی در موضوع عصمت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام، پرداختن با موضوع عصمت پیامبران توسط مفسران با گرایش کلامی، بحث و بررسی دقیق و کامل ابعاد مختلف عصمت انبیاء، بهره‌گیری از آیات و روایات در کنار ادله عقلی اثبات موضوع عصمت انبیاء، استناد بیشتر به استدلال عقلی و منطقی بر دلائل نقلی اعم از آیات و روایات، استفاده از علم لغت، اشعار و سخنان صحابه و منتقدین برای اثبات یا تأیید موضوع عصمت انبیاء و بیان شبهات مربوط به هر کدام از پیامبران به صورت مجزا و مستقل همراه با پاسخ تفصیلی اشاره کرد.

بنابراین در تکامل مباحث عصمت از نگاه قرآنی و کلامی، دوره‌ای کلیدی آغاز شد که در آن بررسی عصمت پیامبران از ذیل آیات پراکنده در تفاسیر به قالب کتب مستقل و هدفمند انتقال یافت. این تحول به معنای آن بود که متکلمان و مفسران شیعه و سنی، موضوع عصمت را یک مسئله بنیادین دانستند که نیازمند یک ساختار نظام‌مند، پاسخ به شبهات به صورت جامع و تبیین دقیق ابعاد مختلف آن است. در این راستا، آثاری چون تنزیه الانبیاء سیدمرتضی، عصمة الانبیاء فخر رازی، آثار سیوطی، حر عاملی و استرآبادی، جایگاه این مبحث را از یک بحث تفسیری به یک تخصص کلامی ارتقا دادند.

در صدر این دوره، اثر تنزیه الانبیاء سیدمرتضی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و اثرگذارترین کتب مستقل در این زمینه می‌درخشد. انگیزه نگارش این اثر، صرفاً تبیین نظری نبود، بلکه واکنشی دفاعی در برابر جریان‌های درباری و علمایی بود که با تضعیف مقام پیامبران و امامان، درصدد توجیه گناهان و اشتباهات حاکمان ستمگر بودند. سیدمرتضی در این کتاب، رویکردی روشمند را در پیش گرفت و با تکیه بر قواعد ادبی، لغت‌شناسی و براهین عقلی، آیات و احادیثی را که در ظاهر با عصمت منافات داشتند، تحلیل کرد. ویژگی برجسته این اثر، اولویت دادن به حکم عقل و تفسیر قرآن به قرآن بر روایات احتمالی است تا پاسخی مستحکم و پذیرفتنی برای مخاطبان فراهم آورد.

در کنار آثار شیعی، فخرالدین رازی در کتاب عصمة الانبیاء، تلاش جامعی برای دسته‌بندی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف اهل سنت و شیعه انجام داد. وی با نگاهی تحلیلی، اختلاف‌نظرها را در چهار محور یعنی عصمت در ایمان، احکام، فتوا و افعال تعریف کرد. رویکرد فخر رازی در پاسخ به شبهات، بسیار دقیق و چندلایه است؛ او در مواجهه با

هر شبهه، ابتدا وجوه و احتمالات مختلف را مطرح کرده و با تحلیل انتقادی، وجوه نادرست را رد می‌کند تا در نهایت وجه صحیح و سازگار با عصمت را به تأیید برساند. او در این مسیر، تنها به آیات بسنده نمی‌کند، بلکه از ابزارهای متنوعی چون علم لغت، نظرات ادباء، اشعار و همچنین تفاسیر صحابه برای تبیین دقیق مفاهیم بهره می‌برد. همچنین، وی با اتخاذ رویکردی نقادانه بر بطلان افسانه‌هایی چون قصه‌ی غرانیق تأکید کرده و این روایات را جعلی و با مقام نبوت ناسازگار می‌داند. تحلیل آثار این دوران نشان می‌دهد که تبیین عصمت از یک پذیرش ساده به یک فرایند استدلالی تبدیل شده است. برجسته‌ترین ویژگی‌های این دوره را می‌توان در تخصصی شدن مبحث از طریق انتقال از تفاسیر پراکنده به آثار مستقل و همچنین برتری استدلال عقلی در کنار آیات و روایات دانست تا پاسخ‌هایی حداکثری و اقناعی به شبهات داده شود. علاوه بر این، بهره‌گیری از علوم تکمیلی مانند لغت‌شناسی، تاریخ و ادبیات و همچنین ساختارمند کردن پاسخ به شبهات از طریق بررسی هر پیامبر به صورت مجزا و ارائه پاسخ‌های تفصیلی، از دستاوردهای مهم این دوران است. در مجموع، دوره تدوین کتب مستقل، مرحله‌ای از تخصص در مبحث عصمت است. اگر در دوره‌های پیشین، عصمت در حاشیه تفاسیر مطرح بود، در این دوره، موضوع در مرکز توجه قرار گرفت و به صورت یک نظام بسته و منسجم تدوین شد. این آثار با تبدیل شبهات به فرصت‌های استدلالی، زیربنای علمی لازم را برای تثبیت جایگاه معصومیت پیامبران در تاریخ کلام اسلامی فراهم آوردند و مسیر را برای پژوهش‌های دقیق‌تر در قرون بعدی هموار کردند.

۴.۴. دوره معاصر (بسط و گسترش)

در این دوره، بیش از یکصد کتاب، پژوهش‌های علمی و مقالات متعددی در زمینه عصمت انبیاء نگاشته شده است. برخی از این آثار به عصمت پیامبران به صورت کلی پرداخته‌اند؛ همچون عصمت انبیا و رسولان نوشته سیدمرتضی عسکری (۱۳۷۷)، نور عصمت بر سیمای نبوت نوشته جعفر انواری (۱۳۹۶)، آراء متکلمان و آیات مورد استفاده ایشان در اثبات عصمت انبیاء از زهرا مصفوی (۱۳۸۲)، عصمت انبیاء در قرآن از سیدمحمدعلی دیباجی (۱۳۷۶) و... برخی دیگر به صورت تک‌نگاری به موضوع پرداخته‌اند؛ همچون بررسی عصمت حضرت نوح (ع) در دایره المعارف قرآن لیدن از محمدحسن زمانی و مهدی سازندگی (۱۳۹۵)، اثبات عصمت حضرت آدم (ع) براساس روش تفسیر قرآن به قرآن نوشته محمد دانش‌نهاد و محمدحسن وکیلی (۱۴۰۲)، بررسی و پاسخ شبهات چهارگانه عصمت در همراهی موسی (ع) با خضر نوشته اکرم خلیلی نوش‌آبادی (۱۴۰۱). بخشی دیگر از این تألیفات نیز به عصمت نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پرداخته‌اند؛ نظیر عصمت پیامبر (ص) و سوره عبس نوشته محمدحسن صرام مفروز (۱۳۸۶)، عصمت خاتم پیامبران در نگاه برخی از مفسران با توجه به آیه «سنقرئک فلا تنسی» نوشته اصغر غلامی (۱۳۸۹). همچنین برخی به تطبیق آراء و نظریات علمای فریقین یا پاسخ به شبهات مرتبط با عصمت پرداخته‌اند؛ مثل نظریه پردازی تطبیقی

در باب عصمت پیامبر اکرم (ص) از تأثیر گذاری بر وحی (بررسی تطبیقی ادله عقلی برخی مفسران عقل گرا با محوریت آیه ۱۵ یونس) نوشته مصطفی کریمی و صدیقه پروان (۱۴۰۰)، بررسی تطبیقی عصمت انبیاء قبل از بعثت از دیدگاه جوادی آملی و فخر رازی از قدسیه رفتاری (۱۴۰۰)، مطالعه تطبیقی گستره عصمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در قرآن کریم از منظر طبرسی و فخر رازی نوشته سیدسجاد جعفری (۱۴۰۱) و... پرداخته‌اند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره می‌توان به تدوین کثرت آثار مربوط به عصمت انبیاء توسط دانشمندان شیعه و سنی در قالب‌های مختلف کتاب و مقاله و پایان‌نامه اشاره کرد. همچنین به مصادیق مختلف سعی و اهتمام ویژه دانشمندان می‌توان اشاره کرد؛ همچون پاسخ به تمام شبهات مربوط به عصمت انبیاء، بهره‌گیری از ادله مختلف عقلی و نقلی در بحث اثبات عصمت انبیاء و نقد شبهات مربوط به آن، به کارگیری گرایش‌های تفسیری مختلف همانند تفسیر عرفانی و کلامی و ادبی در اثبات عصمت انبیاء و نقد شبهات عصمت پیامبران، استفاده از روش‌های تفسیری مختلف همانند قرآن به قرآن، روایی و عقلی در اثبات عصمت انبیاء و نقد شبهات عصمت پیامبران، به کارگیری مبانی مختلف تفسیری متنوع همانند مبانی کلامی و دلالتی و صدور در اثبات عصمت انبیاء و نقد شبهات عصمت پیامبران، گسترش آیات استنادی در اثبات عصمت انبیاء نسبت به دوره‌های قبل و تدوین آثار بسیار نادر و منفرد در ردّ عصمت انبیاء با نقد ادله اثبات عصمت انبیاء. بنابراین در دوره معاصر، مبحث عصمت پیامبران وارد مرحله‌ای از بسط و گسترش شد که در آن، حجم آثار مکتوب از بیش از یکصد کتاب، مقاله و پژوهش علمی فراتر رفت. ویژگی بارز این دوران، گذار از آثار کلی به سمت پژوهش‌های تخصصی و تکنوگاری است. در حالی که پیش‌تر، آثار به صورت جامع تدوین می‌شدند، در دوره فعلی شاهد ظهور مطالعاتی هستیم که به طور ویژه بر عصمت یک پیامبر خاص تمرکز دارند؛ برای نمونه، پژوهش‌های مستقلی در مورد عصمت حضرت آدم، حضرت نوح یا بررسی دقیق شبهات مربوط به همراهی حضرت موسی با خضر تألیف شده است. همچنین بخش قابل توجهی از این تألیفات را آثار مربوط به عصمت نبی اکرم (ص) تشکیل می‌دهند که با تمرکز بر آیات خاص، نظیر سوره عبس یا آیه «سنقرئک فلا تنسی» به تبیین ابعاد مختلف معصومیت ایشان پرداخته‌اند.

یکی از دستاوردهای برجسته این دوره، روی آوردن پژوهشگران به مطالعات تطبیقی است. در این رویکرد، آرای متکلمان و مفسران با گرایش‌های مختلف، به‌ویژه مقایسه دیدگاه‌های اندیشمندانی چون جوادی آملی و فخر رازی در موضوعاتی نظیر عصمت پیش از بعثت، بررسی شده است. این تحول نشان می‌دهد که مبحث عصمت در عصر حاضر، از یک پذیرش سنتی به سوی یک تحلیل انتقادی و تطبیقی حرکت کرده است. از منظر روش‌شناختی، دوره معاصر شاهد تنوع بی‌سابقه‌ای در ابزارها و مبانی است. مفسران و متکلمان امروزی تنها به یک روش بسنده نمی‌کنند، بلکه با تلفیقی از گرایش‌های عرفانی و کلامی و ادبی و با بهره‌گیری از روش‌های تفسیری متنوع، نظیر تفسیر قرآن به قرآن و روایتی و عقلی، به اثبات عصمت می‌پردازند. همچنین به کارگیری مبانی دلالتی و صدور در کنار گسترش آیات

استنادی نسبت به دوره‌های پیشین، باعث شده است تا پاسخ به شبهات، دقیق‌تر و جامع‌تر از گذشته باشد. علاوه بر این، در این دوره شاهد ظهور آثار نادر و منفردی هستیم که با رویکردی نقادانه به ردّ عصمت انبیا پرداخته‌اند؛ امری که اگرچه در اقلیت است، اما باعث شده تا متکلمان معاصر برای پاسخ به این ادله، استدلال‌های خود را صیقل داده و مبانی عقلی و نقلی عصمت را با دقت بیشتری بازسازی کنند. در مجموع، دوره معاصر را می‌توان دوران تکامل و تخصص در مبحث عصمت دانست. در این دوره، عصمت پیامبران نه تنها از نظر کمی در قالب مقالات و پایان‌نامه‌ها گسترش یافت، بلکه از نظر کیفی نیز از طریق به کارگیری ابزارهای مدرن تفسیری و کلامی به سطحی از دقت و جامعیت رسید که تقریباً پاسخ به تمامی شبهات مربوط به عصمت انبیاء را در چارچوبی نظام‌مند فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

بررسی سیر و تطور آثار قرآن عصمت پیامبران نشان می‌دهد که تبیین عصمت پیامبران در منابع اسلامی، مسیری تکاملی را در چهار مرحله متمایز پیموده است. در آغازین دوره، عصمت به دلیل اتکا به روایات اولیه و باورهای قلبی جامعه اسلامی، امری بدیهی تلقی می‌شد و نیازی به تدوین آثار مستقل یا استدلال‌های پیچیده نبود. با گذار به دوره آثار پراکنده در تفاسیر، مبحث عصمت از پذیرشی ساده به سوی تحلیل‌های کلامی حرکت کرد و طیفی از دیدگاه‌ها، از عصمت مطلق تا پذیرش خطاهای سهوی، شکل گرفت. در این مرحله، رویکرد روش‌شناختی از نقل‌های صرفاً روایتی به سمت براهین عقلانی تغییر یافت؛ هرچند پراکندگی موضوعی و پذیرش برخی روایات شبهه‌زا از چالش‌های این دوران بود. نقطه عطف این تحول، انتقال از تفاسیر پراکنده به تدوین کتب مستقل و هدفمند بود؛ جایی که متکلمان با رویکردی دفاعی و نظام‌مند، مبحث عصمت را به یک تخصص کلامی ارتقا دادند. در این دوره با بهره‌گیری از ابزارهای لغوی و عقلی، پاسخ‌های جامع به شبهات ارائه شد و عصمت نه تنها به عنوان یک باور ایمانی، بلکه به عنوان یک حقیقت اثبات‌پذیر از طریق تلاقی عقل و وحی معرفی گردید. در نهایت، این سیر تکاملی در دوره معاصر به مرحله بسط و گسترش رسید که در آن، پژوهش‌ها از کلیات به سمت تک‌نگاری‌های تخصصی و مطالعات تطبیقی حرکت کردند. با تلفیق گرایش‌های عرفانی و کلامی و ادبی و به کارگیری مبانی دلالتی و صدوری، پاسخ به شبهات به دقت و جامعیت حداکثری رسیده است. حتی ظهور آثار نقادانه در ردّ عصمت، منجر به بازسازی دقیق‌تر مبانی عقلی و نقلی توسط متکلمان معاصر شده است. در مجموع، این روند نشان‌دهنده گذار بنیادین از «باور بدیهی» در سده‌های نخستین به «تبیین تخصصی، انتقادی و تطبیقی» در دوران معاصر است که زیربنای علمی مستحکمی را برای اثبات جایگاه معصومیت پیامبران فراهم آورده است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، أبو الحسن علی بن أبی کرم. (۱۴۱۵ق). *أسد الغابۀ فی معرفۀ الصحابۀ*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. ابن حنبل، أبو عبدالله. (۱۴۲۱ق). *مسند / احمد*. بیروت: مؤسسۀ الرسالۀ.
۴. ابن فارس، احمد. (۱۴۲۰ق). *معجم مقاییس اللغة*. بیروت: دار الجیل.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۷۵ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۶. احمدی، سلمان. (۱۳۹۹). «تبیین دلائل مفهوم عصمت با نگاهی به آیات قرآن». *مجله گفتمان وحی*، ۱۱(۱۷)، بهار و تابستان.
۷. انواری، جعفر. (۱۳۹۶). *نور عصمت بر سیمای نبوت، پاسخ شبهات قرآنی عصمت*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۸. ایجی، عبدالرحمن بن احمد. (۱۳۲۵ق). *شرح المواقف*. مصر: مطبعة السعادة.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). *صحیح البخاری*. دمشق: دار طوق النجاة.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). *جمل من أنساب الأشراف*. بیروت: دار الفکر.
۱۱. پارسا، علیرضا و علی پریمی. (۱۳۹۴). «گسترۀ عصمت انبیا از دیدگاه فخر رازی». *پژوهش نامه فلسفۀ دین (نامه حکمت)*، ۱۳(۲)، پاییز و زمستان.
۱۲. جصاص، احمد بن علی. (۱۴۱۵ق). *احکام القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۴. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله. (۱۴۱۱ق). *مستدرک*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۵. خندق آبادی، حسین. (۱۳۸۳). *تنزیه الانبیاء*. تهران: دانشنامه جهان اسلام.
۱۶. رازی، فخرالدین. (۱۴۰۹ق). *عصمت الانبیاء*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۷. رازی، فخرالدین. (۱۴۲۰ق). *تفسیر کبیر مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیا التراث العربی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دفتر نشر کتاب.
۱۹. روحی، کاوس. (۱۴۰۱). «تحلیل و نقد انگاره شرک ورزی پیامبر اکرم (ص) در قرآن؛ مطالعه موردی سه شبهه شاخص». *سراج منیر*، ۱۳(۴۴)، بهار و تابستان.
۲۰. زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. لبنان: دار الفکر.
۲۱. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۹۱). *ترجمه نهج البلاغه*. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲۲. شیخ صدوق، علی بن بابویه. (۱۳۹۸ق). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. تهران: دار الکتب اسلامیة.
۲۳. شیخ صدوق، علی بن بابویه. (۱۳۹۸). *عیون اخبار رضافی*. تهران: دار الکتب اسلامیة.

۲۴. شیخ صدوق، علی بن بابویه. (۱۳۷۶ق). *مالی*. تهران: کتابچی.
۲۵. شیخ مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). *اوائیل المقالات*. قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
۲۶. طباطبایی، محمد حسین. (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
۲۸. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
۲۹. طیب حسینی، سید محمود و دیگران، «بررسی عصمت پیامبر (ص) در تفسیر جامع البیان و مجمع البیان»، نشریه مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ش ۱۶، (۱۳۹۷)، صص ۷-۳۰.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. اسرار: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. علم الهدی، سید مرتضی. (۱۳۸۱ق). *تنزیه الانبیا و الأئمه*. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). *تفسیر عیاشی*. تهران: علمیه.
۳۳. فاریاب، محمد حسین. (۱۳۹۶). «بررسی عصمت پیامبران از گناه در قرآن با محوریت دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان». پژوهش‌های اعتقادی و کلامی، ۷(۲۶)، تابستان.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: مؤسسه دار الهجره.
۳۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۰ق). *القاموس المحیط*. مشهد: شرازگان.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد. (۱۳۹۷). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. بیروت: المكتبة العلمية.
۳۷. قاضی عبد الجبار، ابوالحسن. (۱۳۸۳ق). *المغنی فی ابواب التوحید و العدل*. تهران: دارالکتب.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۸۷ق). *تفسیر*. قم: دارالکتب.
۳۹. متقی هندی، علی بن حسام. (۱۴۰۱ق). *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*. بیروت: موسسه الرساله.
۴۰. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۲۱ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار التعارف.
۴۱. مسلم، أبو الحسن القشیری النیشابوری. (بی تا). *المسند الصحیح*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۲. مناوی، زین الدین محمد. (۱۳۵۶)، *فیض القلید شرح الجامع الصغیر*. مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
۴۳. نسایی، احمد بن شعیب. (۱۳۴۸ق). *سنن نسائی*. بیروت: دار الفکر.
۴۴. هیشمی، علی بن ابوبکر. (۱۴۰۸ق). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*. بیروت: دارالکتب.
۴۵. یعقوبی، محمد، (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.